

{جزوه جامع قواعد عربی (۱)}

{نشانه اسم}

(درس ۱)

حرف جر: (فی - مِن - إِلَى - عَلی - بِ - عَن - لِ)

فعل = معنی + زمان

اسم = معنی + حرکت

حرف = به تنهایی معنی ندارد

کلمه:

ال = الكتاب

تنوین: کتابٌ

مضاف الدن = کتابُ المعلم

نشانه های اسم:

مثال: درست: جاءَ المُدیرُ المدرسه..... نادرست: جاءَ المُدیرُ المدرسهِ

{ { ۱ - و - ن } } [{ ۲ ی }] [{ ۳ ت - تما - تم - ت - تَن - تْ - نا }]

۱- ماضی ۲- مضارع ۳- امر

Ramin Kakaie

{ اعداد از یک تا صد }

(درس ۲)

۱- **اعداد شمارشی اصلی:** اعداد یک و دو برخلاف بقیه اعداد بعد از معقود می آید.

مثال: اَشْرَكَيْتُ خَمْسَتَهُ كَتَبَ وَ سَبْعَ مَجَلَاتٍ

۲- **اعداد سه تا ده:** از نظر جنس با معقود مخالف می آید و معدود اعداد سه تا ده جمع است.

مثال: رَأَيْتُ أَرْبَعَةَ شَجَرَاتٍ

۳- **اعداد یازده تا صد:** معدود اعداد یازده تا نود نه مفرد است.

مثال: رَأَيْتُ أَحَدَ عَشْرَةَ كُوكَبًا

به اعداد

عشرون (۲۰). ثلاثون (۳۰). اربعون (۴۰). خمسون (۵۰). ستون (۶۰). سبعون (۷۰). ثمانیون (۸۰). تسعون (۹۰) عقود گفته می شود. مئه (۱۰۰)

{ اشکال افعال (۱) }

(درس ۳)

ثلاثی مزید: حرفی که رد صیغه مفرد مذکر غائب و ماضی حرف زائد نداشته باشد.

ثلاثی مجرد: حرفی که در صیغه مفرد مذکر غائب و ماضی حرف زائد داشته باشد.

فعل:

ثلاثی مزید

بهای ثلاثی	ماضی	مضارع	مصدر	امر عائب	حرف زائد
خَرَجَ	اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعَلُ	اسْتِفْعَالٌ	اسْتَفْعِلْ	ندارد
خَرَجَ	اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتِعَالٌ	اِفْتَعِلْ	ندارد
خَرَجَ	اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفِعَالٌ	اِنْفَعِلْ	ندارد
خَرَجَ	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلٌ	تَفَعَّلْ	ندارد

{ اشکال افعال (۲) }

(درس ۴)

ثلاثی مجرد

بهای ثلاثی	ماضی	مضارع	مصدر	امر غائب	حرف زائد
خَرَجَ	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعِلٌ	تَفَاعَلْ	ت..ا
خَرَجَ	فَعَّلَ	يَفْعَلُ	تَفْعِيلٌ	فَعَّلْ	تکرار ع
خَرَجَ	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَةٌ	فَاعِلْ	ا
خَرَجَ	أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	اِفْعَالٌ	أَفْعِلْ	أ

{ جمله فعلیه و اسمیه }

(درس ۵)

فرمول جمله اسمیه = مبتدا + خبر

جمله اسمیه:

مثال: التلميذُ ضَرَبَ الكرةَ ----- عليٌّ ذَهَبَ

مبتدا خبر

مبتدا خبر

جمله فعلیه: فرمول جمله فعلیه = فعل + فاعل + (مفعول)

نکته ۱: در جمله فعلیه فعل و فاعل همیشه در جمله وجود دارند اما به ندرت مفعول در جمله وجود دارد.

مثال: ضَرَبَ التلميذُ الكرةَ ----- عليٌّ ذَهَبَ

فاعل فعل

فعل فاعل مفعول

مثال: فَتَحَ المعلمُ المَدْرَسَةَ كِتَابَ مُحَمَّدٍ

فعل فاعل مضاف اليه مفعول مضاف اليه

{ فعل مجهول و معلوم }

(درس ۶)

فعل معلوم: فعلی که فاعل آن مشخص باشد. ضَرَبَ عَلِيٌّ الْبَابَ

فعل فاعل مفعول

فعل مجهول: فعلی که فاعل آن مشخص نباشد. ... ضَرَبَ الْبَابَ

فعل نائب فاعل

Ramin Kakaie

نکته ۱: فعل مجهول در ماضی بر وزن (فُعِلَ) می آید.

نکته ۲: فعل مجهول در مضارع...

يَنْصُرُ ← يَنْصَرُ

يُضْرَبُ ← يَضْرَبُ

نکته ۳: فعل امر مجهول نمی شود.

نکته ۴: برای مجهول کردن یک جمله معلوم اول فعل را مجهول می کنیم سپس فاعل را حذف کرد و مفعول را به جای آن قرار می دهیم و در نهایت فعل را از نظر جنس با نائب فاعل متابقت می دهیم و بر وزن (فُعِلَ) و (يُفَعَلُ) نیز می آید.

مثال: سَيُكْتَبُ الْمَعْلُومُ الرَّسَالَةَ ← سَيُكْتَبُ الرَّسَالَةَ

نکته برای ترجمه: در زبان عربی بر خلاف زبان فارسی اگر به اسمی هم صفت بگیرد و هم مضاف الیه در زبان عربی مضاف الیه قبل از صفت می آید.

مثال: قَرَأْتُ كِتَابَ الْمَعْلَمِ الْجَمِيلِ... (کتاب زیبای معلم را خواندم)

مضاف	صفت	مضاف الیه
موصوف		

{حرف جر و جارو المجرور}

(درس ۷)

یک تعریف ساده: حرف جر همان حرف اضافه در زبان فارسی است و مجرور

به حرف جر همان متمم در زبان فارسی است.

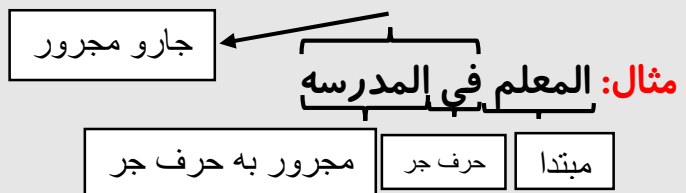
مثال ساده: علی از مدرسه برگشت. ... رَجَعَ عَلِيٌّ مِنَ الْمَدْرَسَةِ



حروف جر: فی - إلی - مِنْ - عَنْ - بِ - كَ - لِ - عَلَيَّ

نکته ۱: حرف جر فقط بر سر اسم می آید یعنی بر سر فعل ظاهر نمی شود.

نکته ۲: گاهی خبر و مبتدا از یک جار المجرور تشکیل می شود.



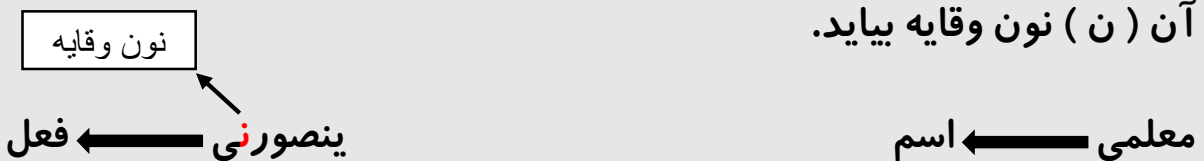
نکته ۳: هر گاه خبر جار المجرور باشد.

مثال: في المدرسة المعلم ← به آن خبر مقدم گفته می شود.



نکته ۴: هر گاه ضمیر (ی) به ضمیر (ی) متکلم من به فعل بچسبد باید قبل از

آن (ن) نون وقایه بیاید.



{اسم فاعل و اسم مبالغه و اسم مفعول}

(درس ۸)

یک تعریف ساده: در دستور زبان فارسی به اسم فاعل و صفت فاعلی و به-

-اسم مفعول صفت مفعولی می گویند.

اسم فاعل به معنای « انجام دهنده یا دارنده حالت » و اسم مفعول به معنای « انجام شده » است.

اسم **فاعل** و **مفعول** دو گروه هستند:

گروه اول بر وزن (فاعِل) و (مفعول) هستند که در سال گذشته با آنها آنها

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
صَنَعَ	صانع	سازنده	مَصْنُوع	ساخته شده
خَلَقَ	خالق	آفریدگار	مَخْلُوق	آفریده شده

آشنا شدید.

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
يُشَاهِدُ	مُشَاهِد	بیننده	مُشَاهِد	دیده شده
يُقَلِّدُ	مُقَلِّد	تقلید کننده	مُقَلِّد	تقلید شده

اکنون با گروه دوم آشنا می شویم:

گروه اول: فعل های بود که سوم شخص مفرد ماضی آنها سه حرف بود و اسم

فاعل و مفعولشان بر وزن (فاعِل) (مفعول) بود.

Ramin Kakaie

گروه دوم: فعل های است که که سوم شخص مفرد ماضی آنها بیشتر از سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان با حرف « مُ » شروع می شود. یک حرف مانده به آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه دارد.

(اسم فاعل: مُ ... --- ...) (اسم مفعول: مُ ... --- ...)

«ایام به کام» رامین کاکائی

Ramin Kakaie